

یک نقطه دیدار

www.ketab.ir

نویسنده: نرگس جعفری

ویراستار: الهام دستدسی

سرشناسه	جغری، نرگس، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	یک لحظه دیدار / نویسنده نرگس جعفری؛ ویراستار الهام دسترسی.
مشخصات نشر	گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۹۴ص: ۲۱/۵×۱۳/۵ س.م.
شابک	978-622-02-2650-5
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	نثر فارسی -- قرن ۱۴ Persian prose literature -- 20th century
شناسه افزوده	دسترسی، الهام، ویراستار
رده بندی کنگره	۸۳۳۹PIR
رده بندی دیوبی	۶۳/۸۵۸
شماره کتابشناسی ملی	۹۱۱۷۳۹۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیا

یک لحظه دیدار

نویسنده: نرگس جعفری

ویراستار: الهام دسترسی

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

مشخصات ظاهری: ۹۴ ص

قطع: رقعی

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۲-۲۶۵۰-۵

چاپ و نشر: نوروزی - ۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا (ع)، ۱۷-۳۲۲۲۴۲۵۸

دورنگار: ۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail

سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۲.....	جهان آینه‌ها
۱۵.....	با تو می‌آیم
۱۷.....	عشق بازی پنهان اما آشکار
۱۹.....	سنگ بنای زندگی
۲۱.....	عشق متعادل
۲۳.....	فرقی نمی‌کند
۲۵.....	سکوت شیرین
۲۶.....	معیارهای ویژه
۲۷.....	رابطه را بسازیم یا زندگی را؟
۲۹.....	شبگردان روزهای قشنگ
۳۱.....	لذیذترین میان وعده‌ی همسرانه
۳۳.....	سرچشمه
۳۵.....	بحث‌های بی جنجال
۳۷.....	مهریه‌ای از جنس محبت!
۳۸.....	چه خواسته‌ای داری؟
۴۱.....	بزرگ‌ترین هدیه
۴۳.....	آشتی

۴۵		احساس زندگی
۴۷		من همینم
۴۸		حق با شماست
۵۰		قاب عاشقی
۵۱		طعم آرامش با عشق
۵۲		شادمانه
۵۵		برد و باخت
۵۷		عروس خوش شانس
۵۹		لطافت
۶۱		سهم عشق و صداقت
۶۳		دوام رابطه
۶۵		پیگیری زندگی
۶۶		بازتابی از حقیقت
۶۷		تنوع در زندگی
۶۹		پایین کشیدن آمپر
۷۰		من و تو لایقیم
۷۲		همیشه فریاد بکش!؟
۷۴		زندگی لبریز از آرامش
۷۶		گل‌های خوش رنگ
۷۸		درس‌های دوست داشتنی
۸۰		کیفیت استاندارد صحبت
۸۱		چراغانی

مقدمه

روزی سر به سر خودم گذاشتم تا با عبور از درونی‌ترین لایه‌های ذهن، معنایی خوش‌عطر و با محبت بیابم برای همسر!

در این کنکاش عزمم را جزم کردم که از همه‌ی صاحب‌نظران کمک بگیرم و تمام هستی را زیر و رو نمایم تا واقعی‌ترین و قشنگ‌ترین دوستانی را که در هم‌نشینی با این واژه روزگار را با عشق می‌گذرانند کشف کنم. من با عالی‌ترین عبارات آشنا گشتم در این مسیر یعنی: برابر، مساوی، هم‌دوش، هم‌رتبه و هم سنگ!

خندیدم و گفتم: چه عالی! کاش ما آدمیان در لحظاتی که زیر یک بیرق قرار می‌گیریم برای تکمیل دین! حداقل به اندازه‌ی معنای همین واژه‌ها یاد بگیریم انیس و مونس شدن را، آنگاه همیشه نان‌مان گرم خواهد بود؛ آب‌مان سرد و زندگی بر وفق مرادمان! اما افسوس که در آغازین روزهای آشنایی «بله» می‌شنویم؛ در عمل «نه» را ملاقات می‌کنیم. مسئولیت را به وقت بی‌مسئولیتی دیدار می‌کنیم و وفا را با طعم بی‌وفایی!

بیایید قبل از آغاز زندگی مشترک بیاموزیم که بلی گفتن‌ها باید با عمل همراه باشند! زیرا در زندگی، ما همان کودکانی هستیم که اگر قول بشنویم و عمل نبینیم، قلبمان تا ابد ترک می‌خورد شاید به خاطر همین حساسیت وجود آدمیان هست که سهراب می‌گوید:

«به سراغ من اگر می‌آیید / نرم و آهسته بیاید / مبدا که ترک بردارد /
چینی نازک تنهایی من!»

بیاید در شروع راه با عمل به مسئولیت‌ها واژه‌ی «آدم بی مسئولیت» را از
فهرست واژگان زندگی تا ابد پاک کنیم تا نسلی را پرورش دهیم خوش قول و
وفادار به عهد و پیمان!

سپس بیاموزیم به آن‌ها که ظاهر افراد به تنهایی معیار مناسبی برای قضاوت
نیست و از سوی دیگر نباید اجازه بدهیم حدس و گمان ما را از واقعیت وجودی
افراد دور سازد هرچند که چشم و گوش و ذهن نیز حرف‌های زیادی از
شخصیت و رفتار آدمیان را منعکس می‌سازند.

چه کنیم که رفتار افراد انعکاسی از تصویر آنان در آینه‌ی اندیشه روزگار است و
ما در زندگی همانی را دریافت می‌کنیم که نمایان می‌دهیم: چه در گفتار، چه در
رفتار و چه در اندیشه و افکار!

پس هوشیار باید بود و در زندگی مشترک هر عامل تخریبی که بخواهد
اشخاص یا زندگی آن‌ها را تهدید نماید، شناخت و قبل از دام‌گیر شدن اثرات
مخربش، با یافتن راه حل‌های درست، به ترمیم مشکل اقدام نمود و گرنه مثل مار
خفته در سرمای زمستان، روزی بیدار می‌گردد و با غرش زهرآلودش بر شادی‌ها
و خوشی‌های بسیارمان نیش پایان می‌زند!

برای زیستن شاهانه باید پیمان ببندیم قفل بزنیم بر عوامل مخرب نظیر: عوامل
احساسی، افکار هیجانی و خلق و خوی غیر عادی و خارج از استاندارد! زیرا با

ویرانی عامل، عمل جرأت تولّد ندارد. چون بذرش نابود گشته است! آنگاه با خیالی
آسوده پیام دهیم به همگان که اکنون ما ساکن شهرک مهربانی هستیم.

همان جاودان سرایی که در یک جشن باشکوه تنفر و اختلاف را از دریچه‌ی
ذهن پاک و از قاب روزگار دونفره حذف کردیم. با یکرنگی و پاکی انس گرفتیم
و در نجوایی با خلوص نیت، نغمه سرایی کردیم برای هم:

آری! پا به پای تو می مانم، در تمام روزهایی که خورشید پرتو زرّین خود را به
مردم هدیه می دهد و در تمام ایّامی که سرمای دانه های برف دست ها را در
دست هم می پیچد تا هیچ دلی یخ نزند!